

از فرط بی‌حوایی

فرار از تله



مهرداد حجتی

● بنا بود دیپلمات شود، به‌همین دلیل پدرش او را در اروپا به دانشگاه فرستاد تا سیاست بیاموزد. او سیاست خواند، اما با مزاجش سازگار نبود. از همان اول، نمایش دوست داشت. در رشته تئاتر چیزی را می‌دید که در دیگر رشته‌ها نمی‌دید، اما این حسرت در او ماند. ناچار بود به خواست پدر گردن نهد و سیاست بخواند؛ دانشی که هیچ‌گاه تا آخر عمر به کارش نیامد. درعوض این تئاتر بود که همواره او را بر سر ذوق می‌آورد. اروپا او را وسوسه می‌کرد تا به تماشاخانه برود و از نزدیک تئاتر تماشا کند. شقیقه بود. روزها در دانشکده، سیاست می‌خواند و شب‌ها با تئاتر سرگرم می‌شد. تئاتر برای او آن قدر وسوسه‌انگیز بود که بالاخره توانست پس از بازگشت به وطن، به سراغ مطلوبش برود. پدر دیپلماتش دیگر مانع نبود. او پذیرفته بود سرنوش‌ت فرزندش باید به‌گونه‌ای دیگر، به‌دور از میدان سیاست رقم بخورد. چندصباحی پس از بازگشت، به تلویزیون ملی رفت و به‌عنوان مدیرگروه نمایش در آنجا مشغول به کار شد، مدیری تحصیل‌کرده که اندیشه‌های نو در سر داشت، اما هنوز مطلوب در راه بود؛ بازیگری. آنچه که او خود را برایش مهیا کرده بود. تئاتر به‌تنهایی اقطاع نمی‌کرد. چیزی هنوز کم بود. وقتی «جلال مقدم» به سراغش آمد، کمترکسی تصور می‌کرد فرد آرماتگرای تحصیل‌کرده غرب پیشنهاد بازی در نقش مکمل یک بازیگر جوان تحصیل‌نکرده را بپذیرد. او پذیرفت و این نخستین نقش سینمایی او شد؛ نقشی که از آن پس جایگاه او را در سینما مستحکم کرد؛ بازیگر نقش مکمل فیلم‌هایی ماندگار که بنا بود در سال‌های پیش روی‌یک‌به‌یک ساخته شوند. زمان اکران نخستین فیلمش، همه بااشتیاق منتظر هنرنمایی هنرمند تحصیل‌کرده بودند. تیتراژ با موسیقی جاندار «مرتضی خاتنه» بر پرده نقش بست. یک نام برای نخستین‌بار بر پرده نوشته می‌شد: «داوود رشیدی» و این سرآغاز راهی طولانی شد که بسیار فرازوشیب داشت، اما تا زمان نشیب هنوز فرازهای آغازین در پیش بود. «کندو» با همان بازیگر تحصیل‌نکرده، اما سوپرستار- به‌روز وثوقی- فرصت دوباره‌ای برای دیده‌شدن بود. روی پرده کسی به سواد و تحصیلات کار نداشت.

آنچه مهم بود، توان بازیگری بود؛ اینکه به‌عنوان بازیگر بتوانی تماشاکر را روی صندلی نگه داری و تا پایان با خود بکشی. فریدون کله این امکان را فراهم کرد تا او درخشان‌ترین نقش سینمایی‌اش را ایفا کند. «آق حسینی» فیلم «کندو» به طرز معجزه‌آسایی چهره شد. بازی درخشان داوود رشیدی همه را خیره کرد؛ تا جایی که گفته می‌شود او هرگز هیچ نقشی را با آن مقایسه‌کردنی نداشت؛ حتی زمانی که «مفتش شش‌انگشتی» را برای علی حاتمی در هزاردستان بازی کرد یا نقش کوتاه، اما درخشان «رضاشاه» در «کمال‌الملک» همان کارگردان را.

اما پس از سال‌های فراز، سال‌های فرود هم در پیش بود. از شوربختی ماست که گروه پاک‌سازی صداوسیما در سال ۵۸ به‌جای پذیرفتن استعفايش از سازمان، او را اخراج کردند؛ جوانی انقلابی که در آن تاریخ عضو گروه پاک‌سازی بود، به او گفته بود: «با بازنشستگی‌ات موافقت نمی‌کنیم. بلکه پاک‌سازی و اخراج می‌کنیم تا از این پس تئوانی در جای دیگری مشغول شوی». او پس از سال‌ها خدمت در سازمانی که دوستش داشت، به‌ناگاه بی‌کار شد. بی‌کاری برای او بی‌هویتی نبود. او از معدود هنرمندان آن روزگار بود که کارنامه درخشانی داشت. گروه تئاتر پیشرو و آثاری را تا پیش از آن روی صحنه برده بود و گروه نمایش تلویزیون که آن زمان مجموعه حرفه‌ای تئاترشهر را در اختیار داشت، از او همواره خاطره خوشی داشت. او علاوه بر بازیگری، کارگردان و مدیر موفق‌ی نیز بود. ازهمین‌رو پس از اخراج از صداوسیما، هرگز زانوئ غم بغل نکرد و نظیر برخی از هنرمندان در آن روزگار هرگز جلای وطن نکرد. او ماند و با پشتکار راهش را ادامه داد. سال‌های فراز بار دیگر از راه رسیدند. در همان سال‌ها، او در فیلم‌های پرشماری حاضر شد و نقش‌های ماندگاری ایفا کرد. چند فیلم از آن میان شاید بیش از دیگر فیلم‌ها جاودانه شدند: «شلیات»، «خانه عنکبوت» و «هیولای درون»، اما او هنوز سال‌های پرشماری پیش‌رو داشت؛ سال‌هایی که گاه با دلدردی همراه می‌شد و گاه ممنوع‌الکاری و بعد ناگهان ۱۰ سال وقفه و بی‌کاری او هیچ‌گاه شکوه نکرد. صوری پیشه کرد و هرگز دم نزد. اهل مایهو و جنجال نبود. ترجیح می‌داد در خانه بنشیند تا نزد این و آن شکایت کند. ازهمین‌رو هنوز برپوش از گذشته در خود فرو می‌رفت. هیچ‌گاه تا مورد پرسیش قرار نمی‌گرفت، سخن نمی‌گفت. ترجیح می‌داد شنونده باشد تا گوینده. همین چند سال پیش چندباری روی صحنه رفت و بار دیگر سال‌های اوجش را در یادها زنده کرد و بعد به‌یک‌باره سال‌های سکوت از راه رسیدند؛ سال‌هایی که مردی گزیده‌گو و آرام را در خود گرفتند و رفته‌رفته به سکوت عادتش دادند و بعد ماه‌های بیماری و بالاخره فرار از تله!او روز پنجم شهریور ۹۵ توانسته بود بالاخره از دام این روزگار بگریزد؛ دامی که او هرگز نتوانسته بود به آن ندهد، چه آن هنگام که پدر دیپلماتش از او یک سیاستمدار خواسته بود و چه آن هنگام که آن جوان انقلابی از او هنرمندی ورشکسته. او از تله فرار کرده بود.

شرق: از نگاه بسیاری که مشتاق دیدن تازه‌ترین اثر «اصغر فرهادی» بودند، دیدن فیلم «فروشنده» ساعت شش صبح خیلی هم عجیب نبود و البته استقبال چشمگیر مخاطبان از روز نخست که نوید اکران موفق این فیلم سینمایی را می‌دهد. از سوی دیگر حملات برخی رسانه‌ها به تازه‌ترین اثر اصغر فرهادی که از مدت‌ها قبل آغاز شده و قضاوت درباره ساختار و مضمون فیلم پیش از اکران رسمی در ایران، یکی دیگر از حاشیه‌سازی‌ها برای این فیلم بود. بر همین اساس خیلی براه نیست که برخی استقبال مردم از این فیلم سینمایی را به شیوه دیگری بازتاب دهند و تعدادی از صندلی‌های خالی روز نخست اکران در ساعت ابتدای روز را به دلیل شیوه‌ای دیگر مانند بلیت‌فروشی به شیوه‌ای غیرمعمول و دلایل دیگر عنوان کنند. علی سرتیپی، پخش‌کننده

این فیلم سینمایی، در گفت‌وگو با «شرق» درباره اکران نخست فیلم فروشنده و خالی‌ماندن برخی صندلی‌های «سینما آزادی» گفت: «دیروز، در روز نخست اکران فیلم، تمامی بلیت‌های فیلم فروش رفته بود. سنانس ۹ صبح فول شد و بلیت‌های یک ربع به هفت صبح هم کامل فروش رفته بود؛ اما تنها تعدادی از مخاطبان فیلم که بلیت‌ها را پیش‌خريد کرده بودند، خواب ماندند». او ادامه داد: «حتی آقای فرهادی هم که قصد داشت به یکی از سالن‌های نمایش‌دهنده فیلم در سنانس ابتدای روز اول اکران برود، خواب ماند و این نخستین نقش سینمایی او شد؛ نقشی که از روز نخست اکران فیلم بسیار خوب بود».

فروشنده و دل‌پاسان

اما نقد تند برخی رسانه‌ها به «فروشنده» با آغاز اکران رسمی آن شدت گرفت؛ سایت «رجانوز» در مطلبی با عنوان «ولنگاری فرهنگی، زیر سر دستگاه‌های خوش‌نام و بدعمل»، از اکران عمومی این فیلم نوشت و نگاه فرهادی در این فیلم را نقد کرد: «در خبرها آمده که فیلم فروشنده، آخرین ساخته اصغر فرهادی از چهارشنبه اکران خواهد شد و حتی بلیت‌هایش پیش‌فروش هم شده، با

استقبال بالای تماشاگران از فیلم «فروشنده»

«فرهادی» خواب ماند، «دل‌واپسان» خوشحال شدند



۵۰ درصد افزایش قیمت، چرا؟ چون آقای فرهادی تخم دوزرده کرده و خشم مقدس (بخوانید غیرت) را هدف گرفته است. آشن آن‌قدر شور است که ترانه علیدوستی قمینبست که بازیگر فروشنده است، در کنفرانس خبری فیلم در «کن» وقتی فرهادی غیرت، خشونت مقدس را به تورپسم تشبیه می‌کند، می‌گوید: «موضوع آبرو، حیا و غیرت در این فیلم مطرح می‌شود و من برخلاف نظر آقای فرهادی فکر می‌کنم یک مرد غربی هم در مواجهه با این موضوع چنین برخوردی را انجام می‌داد. مسئله درباره تعرض به حریم شخصی یک زن است و این مسئله در همه‌جای دنیا وجود دارد».

در بخش دیگری از این یادداشت آمده: «حالا نه تنها وزارت ارشاد جمهوری اسلامی به این فیلم موهن مجوز اکران داده، بلکه حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی هم پای کار آمده تا فیلم را اکران کند تا خدایی نکرده روشنفکرها نرنجند! شهرداری هم پردیس‌هایش را در اختیار فیلم قرار داده است. صداوسیما هم قول داده تیزرهای فیلم پخش شود، همه سیستم فرهنگی کشور دست به دست هم داده تا روی پرده سینما «غیرت» را دست بیندازند تا آقای

فرهادی که فیلمش را کمپانی قطری حامی داعش



چهره‌هایی اعطا می‌شود که نقش مهم و درخور ملاحظه‌ای در اعتلای سینمای معاصر جهان داشته‌اند و فیلم‌سازی همچون «عباس کیارستمی»، «کیانو تاکاشی»، «آنیس واردا»، «سیلوستر اساتونه»، «مانی راتنام»، «آل پاچینو»، «اسپایک لی»، «اتوره اسکولا»، «جیمز فرانکو» و «بریان دی‌پالما» تاکنون این جایزه را دریافت کرده‌اند.

مسال امیر نادری جایزه دستاورد سینمایی «Jaeger» را دریافت خواهد کرد، البته دیدم در این جشنواره حضور خواهد داشت. همچنین فیلم «مالاربا» ساخته پرویز شهبازی به عنوان یکی از فیلم‌های بخش رقابتی «آق‌ها» در این دوره

«شرق» در گفت‌وگو با سینماگران بررسی کرد

۵ پیشنهاد برای خروج از بحران «تیزرها»

بودجه‌های بخش‌های مختلف آن را اعم از استخدام کارمند و... تأمین کنند و در این شبکه، با رعایت قوانین جمهوری اسلامی ایران تبلیغات سینمایی پخش شود». محسن عبدالوهاب، کارگردان، نیز این‌گونه می‌گوید: «من راه‌حلی برای حل این مشکل ندارم، ولی فکر می‌کنم نهادهای سینمایی باید دور هم جمع شوند و خانه سینما هم در این زمینه هم‌فکری و همکاری کند و یک هم‌اندیشی ازسوی مقامات مربوطه برای حل این معضل صورت گیرد».

محمدحسین مهدویان، کارگردان جوان، می‌گوید: «رفع این معضل راه‌حلی کلی نیاز دارد و باید پذیریم که امکانی به نام ماهواره وجود دارد و از آن، هم می‌توان استفاده بد و هم خوب را داشت. یک زمانی ما در رسانه‌های دیگر هم این مشکلات را داشتیم. مشابه وضعی که در دهه ۷۰ و اواخر دهه ۶۰ درباره ممنوعیت ویدئوها بود و مطمئنا ما در آینده این‌گونه مشکلات را نخواهیم داشت. باید بیاموزیم که رسانه‌ها و تکنولوژی‌های جدید را باید پذیرفت چون مردم می‌خواهند از آن استفاده کنند و همان‌طور که همه ما می‌دانیم، آمار استفاده از ماهواره بالاترست و طبیعی است که مردم وقتی به رسانه جدید اقبال نشان می‌دهند، سینماگران هم مایلند با وجود محدودیت و ممنوعیت رسانه ملی، از این فرصت برای تبلیغ فیلم‌هایشان استفاده کنند، آن هم با توجه به شرایطی که دارد و هزینه کمترش». کارگردان «ایستاده در غبار» درباره راحل چالش کنونی نیز به «شرق» می‌گوید: «باید نهادهای ملی سهمیه‌ای برای تبلیغات فیلم‌ها در نظر بگیرند و سازمان‌های مربوطه نیز همکاری کنند؛ مثلاً شهرداری تعداد قابل‌توجهی بیل‌بورد در اختیار فیلم‌ها بگذارد و فضای تبلیغاتی را برای آنها فراهم کند و این فضای تبلیغاتی و سهمیه را شهرداری

هم‌وطنانش بود تا مخاطبان ایرانی بتوانند فیلم تحسین‌شده جشنواره فیلم کن را زودتر بر پرده نقره‌ای ببینند. البته افزایش قیمت بلیت این فیلم سینمایی پیش از اکران عمومی حواشی بسیاری در پی داشت که این موضوع خیلی زود از طرف سازندگان فیلم حل‌وفصل شد و دامنه انتقادها باعث شد پخش‌کننده فیلم «فروشنده» دو روز بعد از آغاز پیش‌فروش اعلام کند بلیت‌های این فیلم از شنبه ۱۳ شهریور به قیمت سابق پیش‌فروش می‌شود. براساس اعلام دفتر «فیلمیران» با توجه به مخالفت تهیه‌کننده فیلم «فروشنده» با افزایش قیمت بلیت‌های سینمایی این فیلم، قیمت بلیت‌های این فیلم بنا به تصویب شورای صنفی نمایش به همان قیمت سابق؛ سینماهای ممتاز هشت هزار تومان و سینماهای مدرن ۱۰

هزار تومان به فروش می‌رسد. محمدرضا فرجی، مدیر کل سینمای حرفه‌ای نیز ضمن تأیید مصوبات شورای صنفی نمایش، تأکید کرد قیمت بلیت فیلم «فروشنده» پیش‌ازاین از سوی این شورا به سینماهای نمایش‌دهنده ابلاغ شده است و اعلام کرد بلیت فیلم فروشنده با قیمت معمول و مصوب شورای صنفی نمایش که در حواله سینماها نیز قید شده است، به مخاطبین عرضه می‌شود. فرجی بیان کرد: «بازرسان اداره کل سینمای حرفه‌ای، فرایند فروش بلیت در سینماهای نمایش‌دهنده فیلم را زیر نظر خود دارند. چنانچه در این زمینه تخطی شود، به‌یقین با اعلان آن برخورد قانونی خواهد شد».

فروشنده درحال‌حاضر یکی از گزینه‌های اصلی معرفی به آکادمی اسکار است و یکی از شروط موثری فیلم به آکادمی اسکار، نمایش عمومی فیلم در کشور سازنده فیلم است و با نمایش عمومی این فیلم می‌توان امیدوار بود که فروشنده قدم بعدی برای این معرفی را برداشته است. حال باید دید دامنه حمله دل‌پاسان به این فیلم سینمایی چه سمت‌وسویی خواهد داشت و گیشه سینمای ایران با اکران فروشنده چه رکوردهایی را جابه‌جا خواهد کرد؟

زیر آسمان فیروزهای

نوشته بهرام بیضایی برای انور

● **شرق**: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان به‌تازگی ترجمه انگلیسی نمایش‌نامه «فتخنامه کلات» را منتشر کرده است. به گزارش سایت روشنگران، منوچهر انور که پیش‌تر یکی از آثار بهرام بیضایی با عنوان «مرگ یزدگرد» را به زبان انگلیسی ترجمه کرده بود، این بار نمایش‌نامه «فتخنامه کلات» بیضایی را ترجمه کرده است. در ادامه متن یادداشتی را که بهرام بیضایی برای مترجم کتابش نوشته است، می‌خوانید: «دوست و سرور گرامی منوچهر انور؛ خوشحالم از رنج ۲۰ساله به‌راستی رستید - از فتخنامه کلات و وسواس ترجمه! هم پاسکزار و هم شرمده منم! کتاب درآمده را ندیده‌ام و همین‌طور ندیده شادباش و خسته نمایبد بر شما!».

«حلقه» در فرهنگ‌سرای نیاوران

● **شرق**: آنسامبل حلقه، متشکل از نوازنده‌های جوان و توانمند، کار خود را از سال ۹۴ در زمینه موسیقی ایرانی آغاز کرده و سرپرستی و آهنگ‌سازی این گروه را رامیرفرهنگ حاتمی، نوازنده تار، برعهده دارد. در اجرای پیش‌رو که دوشنبه ۱۵ شهریور ساعت ۲۱ در فرهنگ‌سرای نیاوران برگزار خواهد شد، قطعاتی در دستگاه نوا و آواز دشتی تنظیم شده‌اند که نکته بارز آنها، استفاده از علوم هارمونی و کنترپوان است، به‌گونه‌ای که بر فضای موسیقی ایرانی خدشه‌ای وارد نشود. در این آثار از تمامی بازه‌های صوتی به صورت آکوپایمان و سلو استفاده شده است که خود نشانگر توانایی نوازنده‌های این گروه است. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت به سایت www.iranconcert.com مراجعه کنند.

نظر «سنگگو»

درباره ۳ پیشنهاد «دادستان»

● حسین نوش‌آبادی در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به سه پیشنهاد دادستان تهران برای برگزاری کنسرت، گفت: هر نهاد و دستگاهی براساس وظایف قانونی‌اش، یک‌سری اقدامات انجام می‌دهد و وظیفه ما به‌عنوان دستگاه متولی حوزه فرهنگ و هنر، صدور مجوز و نظارت بر اجرای مطلوب آن برنامه براساس تعهدات گرفته‌شده از برگزارکننده برنامه است. وی اظهار کرد: طبق شیوه‌نامه‌ای که آقای وزیر ابلاغ کرد، وظیفه همه نهاده‌ا، به‌ویژه حوزه‌های ذی‌ربط در اجرای مطلوب برنامه‌ها مشخص شده و طبیعی است دراین‌راستا، قوه قضائیه نیز براساس وظایفش که ناظر بر پیشگیری از جرم و برخورد با جرائم آشکار است، مطابق تکلیفش عمل می‌کند، پس این شروط با پیشنهادها، منافاتی با برنامه‌های ما ندارد. سنگوی وزارت ارشاد با اشاره به بخشی از پیشنهاد دادستان تهران درباره تضمین امنیت کنسرت‌ها از سوی فرماندار یا استاندار، گفت: نیروهای نظامی براساس نقش‌شان در زمینه نظارت بر اماکن عمومی، وظایف قانونی خود را انجام می‌دهند. بر این اساس، مشکلی هم به‌وجود نمی‌آید. پس می‌توان گفت درحال‌حاضر دو پیشنهاد از سه پیشنهاد دادستان برای برگزاری کنسرت‌ها اجرایی می‌شود، فقط می‌ماند پیشنهاد مربوط به ضبط‌کردن رسمی برنامه‌ها به وسیله پلیس که ظاهرا این پیشنهاد نیز در راستای پیشگیری از تخلف، جرم و اتفاق‌های حاشیه‌ای مطرح شده است. او ادامه داد: احتمالا آنها اعتقاد دارند اگر برنامه‌ای ضبط شود و مخاطبان از ضبط آن آگاه باشند، مراعاتی نسبت به بروز برخی مسائل نمی‌کند. ما به‌طورکلی، از حاکم‌شدن امنیت در کنسرت‌ها نگران نیستیم و اتفاقا هرچه شرایط برای تأمین امنیت فراهم باشد، دیگر مدغغه چندی‌لی برای برگزارکنندگان مراسم به‌وجود نمی‌آید. وی بیان کرد: بیشتر برنامه‌ریزان، رعايت و تقاضاکنندگان اجرای کنسرت چارچوب‌ها و شرایط و براساس معیارها و ضوابط قانونی عمل می‌کنند. البته ما نیز در پروسه صدور مجوز، تعهدات لازم را می‌گیریم، یعنی قبل از آنکه مراجع قضائی یا انتظامی بخواهند ورود پیدا کنند، وزارت ارشاد در برابر تخلفات احتمالی ایستادگی می‌کند و اجازه زیر پا گذاشتن برخی مقررات قانونی و شرعی را نمی‌دهد. سنگگوی وزارت ارشاد تأکید کرد: اگر مجریان کنسرت بخواهند تعهدات خود را اجرایی نکنند، ممکن است در طول برنامه، خودمان کنسرت را لغو کنیم کمالینکه این اتفاق افتاده و برنامه‌ای که ضوابط و معیارها را رعایت نکرده، اجازه اجرای دوباره نگرفته است. وی با تأکید بر اینکه این پیشنهادها منافات و تعارضی با برنامه‌ریزی، نظارت و معیارها به نظر ما ندارد، گفت: فقط موضوع به ضبطکردن برنامه مربوط است که اگر آن هم قانونی و در راستای وظایف دستگاه‌های ذی‌ربط باشد، ما ترسی نداریم؛ ولی باید همه مسائل در راستای تأمین امنیت، اجرای مطلوب برنامه، پیشگیری از اتفاق‌های ناگوار و اجرای بدون حاشیه برنامه باشد. نوش‌آبادی ادامه داد: دوستان ما در حوزه فرهنگی معتقدند برای سالم نگه‌داشتن سالن‌های اجرای موسیقی، از حواشی و تأمین امنیت کشور و پیشگیری از برخی رفتارهای زنهارانه باید تدابیر لازم در نظر گرفته شود. او توضیح داد: در برخی مواقع ممکن است خواننده به‌صورت ناخودآگاه رفتاری خلاف عرف و منایبه داشته باشد یا تماشاچیان و مخاطبان در فضای هیجانی قرار گیرند و رفتارهایی برخلاف ضوابط شرعی، قانونی و تعهدات اخذشده نشان دهند. اتفاقی که به‌بندرت رخ می‌دهد، ولی احتمالا منظور دادستان آن است که باید تدابیر لازم برای پیشگیری از جرم به کار گرفته شود تا از بروز حواشی جلوگیری شود.

در اختیار یک نهاد سینمایی؛ مثلاً خانه سینما قرار دهد و هر فیلمی که اکران می‌شود بتواند از این سهمیه بهره ببرد و هر فیلمی موقع اکران، بلیبوردها و فضای تبلیغاتی‌اش را تحویل بگیرد». مهدویان همچنین پیش‌بینی می‌کند اگر سینمای ایران فضای تبلیغات داشته باشد، می‌تواند سینمای سودمندی هم در فضای داخلی و هم حتی بین‌المللی باشد. مازیار میری، عضو شورای مرکزی کانون کارگردانان، درباره این مشکل می‌گوید: «ماجرای تبلیغات ماهواره‌ای تبدیل به گرهی کور شده و نمی‌دانیم چرا موضوع این‌طور شده است. آقای کریمیان، مدیر مالی شبکه جم، تصمیم گرفتند که بدون هیچ مزدی تبلیغات سینمایی را انجام دهند و در داخل هم با این کار مخالفت شد. مگر اینکه تهیه‌کنندگان همگی از استادان دانشگاهی، روان‌شناسان و... شکایت کنند که این‌ کار در ایران با توجه به نقض قانون کیی‌رایت ممکن نیست. تبلیغات فیلم‌ها، به ضرر ما نیست و حتی به‌نفع ماست. به نظرم دادستانی باید تحقیقاتش را کامل‌تر کند. راه‌حلی که به نظر مازیار میری برای این چالش امروز سینمای ایران می‌رسد این است که یک مجموعه افراد برای سینما و فرهنگ این مملکت چه‌بسا از همه ارگان‌ها و اشخاص اعم از استادان دانشگاهی، روان‌شناسان و... دورهم جمع شده و با هم‌فکری یکدیگر راه‌حل‌های لازم برای حل این معضل را بیابند.

محمدعلی سجادی، سخنگوی کانون کارگردانان سینمای ایران، نیز پس از پیگیری‌های چندباره ما برای جویاشدن راحل این بحران، پاسخ‌گوخی در این‌باره را به هفته آینده موکول کرد. با این اوصاف باید منتظر ماند و دید نهادهای مربوطه همچون خانه سینما و... چه واکنشی در برابر این معضل از خود بروز می‌دهند.